

## بررسی عناصر داستانی در رمان «سال‌های ابری»

دکتر علی‌اکبر عطفی\*

طاهره سپهوند\*\*

### چکیده:

ادبیات داستانی بخش مهمی از آثار ادبی است که تاکنون در کشور ما کمتر بررسی شده است. از میان این آثار، داستان‌های برجسته‌ای هستند که رنگ و بوی بومی و محلی دارند؛ یکی از این آثار رمان بلند سال‌های ابری اثر علی‌اشرف درویشیان است. این مقاله به بررسی عناصر داستانی رمان «سال‌های ابری» پرداخته است. در این اثر قواعد پرداخت شخصیت‌ها، ارائه طرح، حوادث، درونمایه و سایر عناصر، بدون در نظر گرفتن پاره‌ای سستی‌ها، بر مبنای درستی استوار است. مهم‌ترین عنصر داستانی این اثر، «حادثه» است؛ اهمیت عنصر «درونمایه» نیز کمتر از حادثه نیست؛ چون تأثیر آن بر بسیاری از عناصر دیگر به خوبی مشهود است.

**کلید واژه‌ها:** عناصر داستان، رمان، سال‌های ابری، علی‌اشرف درویشیان.

### مقدمه:

داستان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین انواع ادبی جهان است که بررسی آن در کشور ما کمتر مورد اقبال واقع شده است. ادبیات داستانی می‌تواند رابطی صمیمی و آشنا برای ارائه نظرات نویسندگان و تشویق مخاطبان به اصلاح نگرش خود نسبت به زندگی و رخدادهای آن باشد. داستان نویسان برای بیان دیدگاه‌های خود ابزاری در دست دارند و هریک در استفاده از آن‌ها شگرد خاصی اتخاذ می‌کنند؛ بررسی و کشف شگردهای داستان‌نویسی و کیفیت کاربرد عناصر سازنده داستان سبب می‌شود

خواننده دلایل اصلی التذاذ خود را از متن دقیق‌تر بفهمد. این گونه تحلیل‌ها همچنین به کسانی که علاقمند به نوشتن داستان هستند یاری می‌رساند تا به پختگی لازم در استفاده ازشگردهای داستان‌نویسی و کاربرد عناصر سازنده یک داستان و نهایتاً به توفیق بیان افکار و ذهنیات خود دست یابند؛ هدف این مقاله نیز که موضوع آن «بررسی عناصر داستانی رمان سال‌های ابری» است، در این حوزه تأمین می‌شود. آنچه ضرورت چنین پژوهشی را توجیه می‌کند و در عین حال خود نیز یکی از دشواری‌های انجام این تحقیق است، عدم وجود منابع منسجم درباره نقد این اثر در حیطه تحلیل عناصر داستانی است. مطالب پراکنده‌ای در روزنامه‌ها و مجلات درباره این رمان یافت می‌شود که هیچ‌یک به طور مستقل به بررسی این اثر در این زمینه نپرداخته‌اند. در این مقاله ۱۰ عنصر داستانی «سال‌های ابری» بررسی و روش نویسنده در به کارگیری هر یک از عناصر شرح داده شده است. روش تحقیق، تحلیلی است و گردآوری اطلاعات از راه مطالعه دقیق متن رمان و بررسی آن با توجه به موضوع و پیشینه تحقیق انجام گرفته است.

## ۱- طرح:

شریف داوریشه فرزند اول خانواده‌ای فقیر در کرمانشاه است که خاطرات خود را از زمانی که کودک سه-چهار ساله‌ای است، به خاطر می‌آورد؛ از آن هنگام که فرزند سوم خانواده می‌خواهد قدم به دنیا بگذارد. آغاز داستان، تلاش مادری است برای به دنیا آوردن فرزندی دیگر در خانواده‌ای تهیدست و خرافاتی. این وضعیت از لابه‌لای حرف‌هایی که «ماما» و «بی‌بی» و اطرافیان مادر شریف به زبان می‌آورند، فهمیده می‌شود. شریف با مادر بزرگش، بی‌بی و یکی از دایی‌هایش به نام «سلیم» رابطه‌ای خوب و صمیمانه دارد. «بی‌بی» با پندهای مفید و به جا نقشی مهم در شکل‌گیری شخصیت شریف ایفا می‌کند. همواره او را از گناه و اشتباه برحذر می‌دارد و به او یادآوری می‌کند چون در روز عزیز نیمه شعبان به دنیا آمده نباید، و نمی‌تواند مرتکب خطا شود. پدر شریف، «مشی بوچان»، یکی از صدها نمونه از افراد بیکاری است که

قربانی اوضاع آشفته اقتصادی جامعه است. او شغل مشخصی ندارد؛ مدام از شاخه‌ای به شاخه‌ای می‌پرد و همیشه حشش را می‌خورد؛ اما شریف برخلاف پدر از همان کودکی تاب تحمل ظلم و تبعیض را ندارد و در برابر آن واکنش نشان می‌دهد. دوره کودکی و نوجوانی شریف سرشار از حوادث تلخی است که رویدادهای شیرین در برابر آن به چشم نمی‌آیند. اثاث‌کشی‌های مدام از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر شریف را به مشاهده مردمی می‌کشانند که همچون خانواده‌اش اسیر رنج‌ها و ستم‌های نابرابری و فقر در جامعه‌اند. او با معرفی و توصیف اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این مردم می‌کوشد تا تصویری جامع‌تر از جامعه زمان خود به دست دهد.

در جلد دوم داستان، از فصل «به سوی آینده» - که شریف در دوره نوجوانی به سر می‌برد - حضور مسائل سیاسی در داستان پررنگ می‌شود. دایی سلیم با تعریف اتفاقات کمپانی نفت در خانه و قرار دادن روزنامه‌ها و مجلات سیاسی در اختیار شریف، او را با دنیای سیاست آشنا می‌کند. به این ترتیب وی در پرورش بُعد سیاسی شخصیت شریف تأثیر بسزایی دارد. حوادث و وقایع تاریخی، سیاسی کشورمان در طول داستان در حال اتفاقند؛ «صنعت نفت» ملی می‌شود و شریف دست‌درست‌دایی سلیم شاهد این رویدادهاست. در جلسات مبارزاتی که دایی سلیم در خانه برگزار می‌کند، شرکت می‌کند و حتی پس از آنکه دایی سلیم اعتقادش را به حزب توده از دست می‌دهد، شریف به آن پایبند می‌ماند. هنگامی که پس از سال‌ها رنج‌نداری و کار همزمان با تحصیل، دوره دبیرستان را به پایان می‌رساند، وارد دانشسرا شده، پس از اتمام تحصیل در این مقطع به عنوان معلم به گیلان غرب منتقل می‌شود. پایان جلد دوم و آغاز جلد سوم نقطه عطفی در داستان زندگی شریف است. او از این پس با انبوهی از تجربه‌های سنگین و دشوار، عملاً وارد صحنه سیاست می‌شود. در روستاهای گیلان غرب و شاه‌آباد در برابر زورگویی خانان به روستاییان خاموش نمی‌ماند و به سبب مقاومت و عدم همکاری‌اش با عوامل جور، کارش به انتقال می‌کشد. در این سال‌ها به تحصیلات خود ادامه می‌دهد؛ در دانشگاه و سپس دانشسرای عالی در رشته ادبیات فارسی پذیرفته می‌شود. او همچنان به فعالیت‌های سیاسی ادامه می‌دهد و

سرانجام یک روز، که با دوستش در حال جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها و مثل‌های کُردی در روستاهای کنگاور است، ساواک به آنان مشکوک می‌شود و دستگیرشان می‌کند. از این پس زندان جزو جدایی‌ناپذیر زندگی شریف است و او سال‌های بسیاری محبوس سلول‌های تاریک و دلهره‌آور آن می‌ماند. در مدت کوتاه آزادی‌اش با شهرناز، دختر دایی حامد، ازدواج می‌کند و با کمک او به مبارزه در قالب چاپ اعلامیه در کتاب‌فروشی‌اش ادامه می‌دهد؛ اما به سبب خیانت شریکش، «جبوردادیان»، دوباره دستگیر می‌شود. در دوره‌های حبس دردناک‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی را متحمل می‌شود. گاه به ورطه شک می‌افتد؛ اما با به خاطر آوردن رنج‌های مردم و از خودگذشتگی‌های مبارزان ملی، همچون یارمحمدخان و هم‌زمانی چون آقا مرتضی - که به او اعتقادی کامل دارد- به ادامه راه مصمم می‌شود و عقب نشینی نمی‌کند.

شریف روز سوم آبان ۱۳۵۷، یعنی چند ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در پی فشارهای مردم به همراه عده‌ای دیگر از زندانیان سیاسی از زندان آزاد می‌شود.

پایان رمان **سال‌های ابری** همچون آغازش نمایان‌کننده تولد فرزندی تازه است؛ تحولی بزرگ که حاصل سال‌ها درد و مصیبت و پایداری است. پایان داستان نقطه آغاز حوادثی جدید است که نویسنده ادامه آن را به ذهن خواننده واگذار می‌کند؛ بنابراین طرح داستان از نوع «طرح باز» است؛ یعنی نویسنده پایانی قطعی را برای آن ذکر نکرده است. از طرف دیگر توالی رویدادها هم در این رمان بر اساس ترتیب زمانی وقوع آنها نیست و همین موارد بر جذابیت اثر افزوده است.

**مسائل اساسی طرح رمان از این قرارند:**

### ۱- ۱ گره افکنی:

به لحاظ حوادث فراوان و متنوعی که در رمان **سال‌های ابری** اتفاق می‌افتد، نمی‌توان گره‌افکنی خاصی را در کلیت طرح ذکر کرد؛ اما با توجه به طرح‌های فرعی داستان، گره‌افکنی‌های متعددی را می‌توان نام برد. نخستین گره‌افکنی را در نخستین سطرهای این داستان می‌بینیم؛ آن‌هنگام که تصویر زنی، مادر شریف، در حال جیغ و

فریاد و کشمکش با درد زایمان نمایش داده می‌شود، هرکس مشغول کاری است. دایی سلیم روی پشت بام در حال دعا خواندن و شریف هم در حال یک کشمکش ذهنی با «آل»؛ شریف در ذهن خویش می‌هراسد که مبادا مادرش را از دست بدهد:

نکند مادرم بمیرد!... ای خدایی که از آسمان هفتم هم بزرگتری... کاری بکن

که مادرم نمیرد. (سال‌های ابری، ج ۱: ۱۴)

این انتظار و تعلیق با شنیده شدن صدای وغ وغ بچه به نقطه اوج خود می‌رسد و این واقعه با تولد نوزاد به پایان می‌رسد. شروع داستان با چنین واقعه‌ای و با این خصوصیات، ذهن خواننده را از همان ابتدا با فضاهای بعدی داستان و بار مصائبی که بر آن سایه افکنده آشنا می‌کند. در واقع، گره‌افکنی این بخش می‌تواند این سؤال را در ذهن ایجاد کند که آیا شریف می‌تواند در چنین جامعه‌ای و با توجه به توانایی‌های خود، حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشد؟ آیا می‌تواند از آغازگران عصری جدید با آینده‌ای روشن باشد و یا می‌تواند تحول و دگرگونی سازنده‌ای را سبب شود؟

### ۱-۲ تعلیق / هول و ولا:

اگر بتوان این رمان را به موجودی جاندار تشبیه کرد، می‌توان گفت که سرتاسر اندام این جاندار به علت اصلی «فقر» و «نابرابری» در ابعاد گوناگونش، در حال رعشه است و معصومانه و مظلومانه در تب بسیاری از محرومیت‌ها در حال سوختن. اولین نشانه‌های این ترس و هراس را از راه آشنایی با زندگی یک خانواده تهیدست خانه به دوش - که دائماً هم بر جمعیتشان افزوده می‌شود - می‌فهمیم. خانواده‌ای که نمونه نوعی بسیاری از خانواده‌های ایرانی در آن دوره و همچون دیگران به بیچارگی‌هایی مبتلاست که تقریباً گریبان تمام جامعه آن‌ها را گرفته؛ اما بسیاری از صحنه‌های ملموس و محسوس این حالت شک و انتظار و اضطراب مربوط به بخش‌هایی است که شریف در زندان‌های مخوف پهلوی در حین بازجویی‌ها و شکنجه‌ها به سر می‌برد. این حالت زمانی به اوج خود می‌رسد که خواننده بی‌آنکه علت دستگیری شخصیت اصلی را بداند، صدای او را از درون سلول زندان می‌شنود.

### ۱-۳ کشمکش:

اولین کشمکش که با ورود به داستان از آن آگاه می‌شویم، کشمکش شریف با موجودی خیالی به نام «آل» است. این کشمکش ذهنی در شریف با کشمکش مادر او و تلاش برای زایمان - که کشمکشی از نوع جسمانی است - همراه شده است. کشمکش شریف با «آل» در نخستین صحنه این رمان نشانه، کشمکشی است که او در طول رمان با عوامل مختلف خواهد داشت؛ بنابراین کشمکش در این بخش به عنوان ابزاری برای اراییه فضای کلی اثر به کار گرفته شده است. در ادامه داستان شاهد کشمکش شریف با عوامل و شخصیت‌های دیگر هم هستیم. این کشمکش‌ها انواع گوناگونی را در برمی‌گیرند؛ یعنی گاه ذهنی، گاه عاطفی و گاهی هم جسمی یا اخلاقی‌اند. به طور کلی، وجود چنین کشمکش‌هایی در ارتباط با شریف داوریشه به عنوان یک فرد مبارز همخوانی دارد.

### ۱-۴ بحران:

در مجموعه رمان، لحظه‌های بحرانی فراوانند. فقر بیداد می‌کند و در بسیاری از لحظات امید به زندگی را از کف آدم‌های زجر کشیده این داستان می‌رباید و نداری - که مهمان ناخوانده بسیاری از خانه‌هاست - مسبب پریشان‌خاطری‌ها و حوادث تلخ بسیاری در این داستان می‌شود. بیماری، کوچک و بزرگ را در چنگال بی‌رحم خود اسیر کرده و بیماران در این جامعه فقر زده امید چندانی به بهبود ندارند. بحران عمده داستان با دستگیری شریف، شخصیت اصلی داستان، درکنگاور و به زندان افتادن وی اتفاق می‌افتد. نویسنده حدوداً سیصد صفحه به شرح جزئیات این مرحله از زندگی شریف اختصاص می‌دهد. شریف برای مدت کوتاهی آزاد می‌شود و پس از این زمان کوتاه، چند بار دیگر به زندان می‌افتد. با هر بار دستگیری وی، بحرانی تازه در داستان شکل می‌گیرد که خواننده را تا زمان گره‌گشایی برای خواندن ادامه داستان و آگاهی از سرانجام شخصیت اصلی مشتاق نگه می‌دارد.

### ۱-۵ نقطه اوج:

نقطه اوج رمان سال‌های ابری به همراه اوج گرفتن مبارزات سیاسی مردم

علیه رژیم شکل می‌گیرد. پس از رویداد خونین هفده شهریور ۱۳۵۷، فشار مردم بر حکومت پهلوی فزونی می‌یابد. زندانیان با شنیدن خبر کشتار فجیع مردم در میدان ژاله، دست به اعتصاب می‌زنند و در پی فشار مردم، درهای زندان به روی زندانیان سیاسی گشوده می‌شود.

### ۱-۶ گره گشایی:

شخصیت اصلی این رمان، شریف داویشه، پس از تحمل روزهای مشقت بار زندان و زجرهای جسمی و روحی، سرانجام در روز سوم آبان ۱۳۵۷ قدم به دنیای بیرون زندان می‌گذارد و آماده می‌شود تا شاهد حوادث و دگرگونی‌های پس از انقلاب ۵۷ باشد.

### ۲- حادثه:

حادثه اصلی، آغاز جدی شخصیت اصلی با حکومت پهلوی است. این مبارزه با انتقال شریف به گیلان غرب و روستاهای اطراف به عنوان معلم عملاً آغاز می‌شود. نویسنده زمینه این حادثه را در ابتدای داستان و در فضایی سوررئال، یعنی هنگامی که شریف در ذهن خود با «آل» می‌جنگد، فراهم آورده است. وجود حوادث فرعی فراوان طبیعت، رمان است. در سال‌های ابری نیز حوادث فرعی بسیاری اتفاق می‌افتد که کارکرد اغلبشان تقویت درونمایه‌های رمان و بیان دیدگاه‌های نویسنده است.

غرض درویشیان از شرح خانه‌کشی خانواده شریف به کنار آبشوران، شرح محیط آلوده و نامناسب آن محله و وقوع سیل، اعتراض به مسئله فقر و بی‌خانمانی و تضاد طبقاتی در جامعه است. شریف بارها به حبس محکوم می‌شود و بارها تحت آزارهای جسمی و روحی قرار می‌گیرد. ضربان داستان در این قسمت‌ها مدام بالا و پایین می‌رود و حالت تعلیق و در نتیجه اشتیاق خواننده برای دانستن عاقبت ماجرا افزایش می‌یابد؛ درحالی که داستان «روند صعودی» خود را طی می‌کند، به‌جایی می‌رسد که مبارزات علیه حکومت بسیار فراگیر شده، اتفاقات حساس و مؤثری پشت سرهم به وقوع می‌پیوندد و روایت با اوج گرفتن انقلاب و ایستادگی مردم به

«نقطه اوج» خود می‌رسد. نقطه اوج با فاصله کمی به «گره گشایی» داستان می‌انجامد؛ لحظه‌ای که به شریف خبر می‌دهند اسم او هم جزو لیست آزاد شدگان است، داستان «سیرنزولی» پیدا می‌کند تا آنکه به لحظه آخرین هول و ولا، یعنی آزادی شریف در روز سوم آبان ۱۳۵۷ می‌رسد.

### ۳- شخصیت و شخصیت پردازی:

در یک نگاه کلی، شخصیت‌های این رمان از دید شخصیت اصلی دو دسته‌اند و شریف از آن‌ها با نام تارها و پودهای وجودش یاد می‌کند. نویسنده شخصیت‌های داستان را با توجه به درونمایه‌های اثر و آنچه در ذهن شخصیت اصلی رمان می‌گذرد و دغدغه فکری اوست، وارد داستان می‌کند. همین دغدغه‌های فکری توجه شریف را به قشرهای آسیب‌پذیر و فقیر جامعه معطوف می‌کند تا از رنج آدم‌هایی مثل خودش سخن بگوید. شخصیت‌های رمان **سال‌های ابری** از میان افراد واقعی انتخاب شده‌اند و بهتر است بگوییم راوی به «معرفی» شخصیت‌ها می‌پردازد و خواننده پس از آشنایی با آن‌ها، اعمال و گفتارشان را، که مطابق با طبقه اجتماعی و مسائل مربوط به هر طبقه است، می‌پذیرد و شخصیت‌ها از این نظر، معمولی و مطابق واقعند. از نظر ثبوت و پایداری در شخصیت هم تقریباً تمام افراد داستان مطابق با اندیشه و باور خود به زندگی نگاه می‌کنند و گفتار و کردارشان با فکر و فرهنگ و طبقه اجتماعی‌شان تناسب دارد؛ اما در شخصیت «دایی سلیم» ظاهراً چنین ثبوتی در نوع تفکر و گفتار دیده نمی‌شود. او به طرزى که نویسنده علتش را برای خواننده روشن ننموده، مسلک سیاسی گذشته خویش را یکباره به سویی می‌نهد و اعتقادش را به آن‌ها از دست می‌دهد.

نویسنده به دنیای درونی بسیاری از شخصیت‌های داستانش کاری ندارد و شخصیت اصلی داستان فقط اعمال و گفتار آن‌ها را روایت می‌کند. به نظر می‌رسد روش نویسنده یعنی «معرفی» دسته‌ای از شخصیت‌های این داستان منطقی است؛ چراکه این کار برای پرداخت موضوع داستان و انتقاد ضمنی به فقر، وضعیت نامناسب معیشت مردم و خفقان و بی‌کفایتی مسئولان جامعه است. با انتخاب افرادی از طبقه



محروم جامعه و توصیف ظواهر زندگی و مشکلات آن‌ها، خواننده خود به حکایت ناگفته و دردناک‌تر باطن معیشت این طبقه هم پی می‌برد. هر انسان آگاهی می‌داند محرومیت از حداقل امکانات رفاهی برای گذران زندگی سبب بروز پیامدهای وحشتناک‌تر و عمیق‌تری بر روح و جسم و سرنوشت آدمی خواهد شد.

در مورد شخصیت‌های اصلی داستان - که شریف در مرکز آن‌ها قرار دارد - نویسنده به دنیای ذهنی و باورهای آن‌ها هم وارد شده و از راه‌های مختلف، ماهیت درونی آن‌ها را آشکار ساخته است؛ مثلاً شخصیت پدر و مادر شریف، مشی بوچان و ننه، را از راه گفت و گوها و اعمالشان می‌شناساند. شخصیت‌هایی چون شریف، ننه زاری و بوچان، بی‌بی و عمو الفت برای نویسنده کاملاً شناخته شده‌اند و نویسنده زیر و بم کنش و واکنش‌های آنان را به خوبی می‌داند و شخصیت آن‌ها را چنان‌که انتظار می‌رود نمایش می‌دهد.

اصلی‌ترین شخصیت‌های رمان **سال‌های ابری** از این قرارند: شریف، بی‌بی، دایی سلیم، زاری (زهرا) و مشی بوچان.

### ۱- ۳ شخصیت پردازی شخصیت اصلی (شریف):

شخصیت‌پردازی این رمان به طور عمده بر «شریف داوریشه» متمرکز شده است. شریف به گونه‌ای غیر مستقیم با شروع داستان و از راه گزارشی که از محیط اطرافش ارائه می‌دهد، به داستان وارد می‌شود. نویسنده در ابتدای داستان به خوبی از عهده معرفی حالات و افکار شریف برآمده است. طرز حرف زدن و پرسش‌های بچگانه‌ای که او از بی‌بی می‌پرسد، به گونه‌ای دلچسب حس‌آشنایی با کودکی شیرین زبان را در خواننده ایجاد می‌کند. وقتی بی‌بی درباره شوهر اولش برای شریف حرف می‌زند می‌گوید:

شوهر اولم یعنی پدر اصلی مادر تو راننده است، اهل عراق. از کاظمین که می‌آمد برود تهران، در کرمانشاه مرا دید و گرفت.

-با تله تو را گرفت بی‌بی جان!؟

نه جانم. تله‌اش کجا بود. مرا گرفت؛ یعنی با من عروسی کرد؛ اما من

خیلی کوچک بودم. (سال‌های ابری، ج ۱: ۲۸)

شریف کودکی دلسوز و مهربان، ریزبین و نازک طبع است. نوع تصور او از اتفاقات ساده نیز حساسیت شخصیت وی را از همان کودکی نشان می‌دهد. شریف شخصیتی پرسشگر و کنجکاو دارد. کودکی است که همچون بسیاری از همسالانش که در جامعه او زندگی می‌کنند، بسیار زودتر از زمان معمول مسئولیت نان آوری بر شانه‌اش گذاشته می‌شود. او با گام نهادن در دنیای بیرون از خانه و تماس بیشتر با حقایق زندگی، دردها و رنج‌های مردمش را بیش از پیش لمس می‌کند. گرچه فرزند پدری مبارز نیست، هرگاه از سرگذشت یکی از قهرمانان ملی مطلع می‌شود، خود را فرزند او می‌خواند. درخانه‌ای رشد می‌کند که دایی‌های نوجوانش هرکدام یک مثنی سیاسی را برگزیده‌اند. در خانه دائم میان دایی‌ها جدال است. دایی حامد، طرفدار دکتر مصدق و دایی سلیم، طرفدار «حزب توده». شریف با تأثیرپذیری و پیروی از دایی سلیم، که به شخصیت وی اعتماد دارد، تفکر او را می‌پذیرد؛ بدین طریق او در سن یازده - دوازده سالگی با سیاست آشنا می‌شود، به حزب توده گرایش پیدا می‌کند و حتی آن زمان که دایی سلیم از ادامه راه منصرف می‌شود، شریف تغییر عقیده نمی‌دهد و مطابق باورهایش عمل می‌کند.

۹۱

\* فصلنامه زبان و ادب، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۷

در یک نگاه کلی می‌توان گفت زندگی شریف شامل چهار دوره است: دوره نخست، دوره کودکی و پیش از ورود او به مدرسه است؛ از راه شنیدن سرگذشت قهرمانان ملی با مفهوم عدل و ظلم آشنا می‌شود و خوب و بد را درک می‌کند. از طریق مشاهده عینی محرومیت‌های خود و خانواده‌اش و با دیدن بیچارگی همسایگان فقیرش، به فقر اقتصادی جامعه پی می‌برد. دوره دوم زندگی او هنگامی است که به مدرسه می‌رود؛ سواد می‌آموزد و با کتاب و مجله و روزنامه آشنا می‌شود. در این دوره به علت عهده‌دار بودن مسئولیت نان‌آوری، سختی‌های فراوانی را متحمل می‌شود و از تمام این تجارب سخت، در ازای حاصلی ناچیز، به ضعف در مدیریت امور اجتماعش پی می‌برد. دوره سوم و مهم سرگذشت شریف داوریشه با انتخاب شغل معلمی و انتقال به یکی از دهات

گیلان‌غرب شروع می‌شود. در آنجا اوضاع اسفبار شاگردانش را می‌بیند که در عین محرومیت به سر می‌برند؛ این مشاهدات آتش مبارزه را در او شعله‌ورتر می‌کند. با شور فراوان تدریس می‌کند و به شاگردانش عشق می‌ورزد. با وجود برخورداری از روحیهٔ ظلم‌ستیزی، وقتی شخصی به نام احمد موش در گیلان‌غرب پولش را می‌دزدد- با آنکه مقصر را هم می‌شناسد- چیزی نمی‌گوید و اعتراضی نمی‌کند. عدم پی‌گیری شریف برای به دست آوردن پولش می‌تواند بیان‌کنندهٔ این مطلب باشد که شریف برای احقاق حق مردم مبارزه می‌کند نه برای خودش. دورهٔ چهارم زندگی این شخصیت، دوران اوج مبارزات او علیه حکومت است. دورهٔ فعالیت‌های سیاسی در قالب پخش اعلامیه و ردّ و بدل کردن کتاب و جزوه‌های ممنوعه و سپس گرفتار شدن در چنگال عمال شاه در زندان‌های سراسر هراس، و پایداری در برابر بازجویی‌های بی‌رحمانه و شکنجه‌های وحشیانهٔ ساواک. شریف در این دوره در چهرهٔ یک **قهرمان** ظاهر می‌شود. کسی که برای حمایت از مردم و آرمان‌های انسانی‌اش زجرهای فراوانی را به جان می‌خرد. داستان در این بخش‌های پایانی عمدتاً حول محور شخصیت او می‌چرخد و سرشار از واگویی‌هایی است که او با خود دارد. شخصیت شریف در این رمان، شخصیت انسانی کامل و آرمانی است؛ شریف شخصیتی پویا دارد و او را از لابه‌لای گفتار، اعمال و یا توصیف اشخاص دیگر از او می‌شناسیم.

### ۳-۲ شخصیت‌پردازی ننه زاری (زهره):

ننه، نمونهٔ یک زن زحمتکش فداکار است که خود را وقف زندگی و فرزندانش کرده. صحنهٔ اولیهٔ رمان می‌تواند به نوعی تحمل درد و رنج را در اتفاقات بعدی داستان، در شخصیت ننه القا کند. تحمل درد برای زادن انسانی جدید؛ و چنان‌که می‌بینیم بعداً نیز هر سختی‌ای را به جان می‌خرد تا فرزندانش را به مدرسه بفرستد. حضور او در داستان به همراه نمایش تلاش مستمر او، شخصیت او را به عنوان زنی از خود گذشته، فداکار و دلسوز بیشتر می‌نماید.

دختر خاله هُدهُد و ننه، کلاش می‌چینند. حتی شب‌هایی که مهتابی است، تا دیر

وقت زیر نور ماه جلو اتاق می‌نشینند و کلاش می‌چینند. نور ماه بر سوزن‌هایشان

می‌افتد و برق در اتاق خط می‌کشد. (همان، ج ۱: ۲۶۲)

او نیز همچون بسیاری از زنان جامعه‌اش صدمه دیده از فرهنگ مردسالاری است. ننه چون از قشر زحمتکشی است که همیشه دستانشان خالی است، نسبت به مسببان اصلی این وضعیت، یعنی بالایی‌ها، بی‌اعتنا نیست. در بسیاری مسائل واقع‌گراست و معقول می‌اندیشد؛ مثلاً دربارهٔ به مدرسه رفتن فرزنداناش؛ اما او نیز همچون بسیاری دیگر اسیر خرافات است. در مجموع، نویسنده چهره‌ای فداکار و مظلوم از مادر نشان داده است. خواننده در داستان شخصیت ننه زاری را از طریق اعمال و گفتارش و یا از میان سخنان شریف می‌شناسیم.

### ۳-۳ شخصیت پردازی بی‌بی:

«بی‌بی» پس از شریف، مهم‌ترین شخصیت داستان است. شخصیت بی‌بی از حیث تأثیری که بر شخصیت اصلی داستان می‌گذارد، قابل توجه است. او حاصل تجربه‌های خود را از زندگی به شیوه‌ای اثربخش و در موقعیت‌های مناسب در اختیار شریف می‌گذارد. با نشان دادن نمونه‌های عینی و آدم‌هایی که از راه بالا کشیدن حقوق دیگران به نان و نوایی رسیده‌اند و در مقابل آن‌ها قشر فقیری که به حقشان اجحاف شده، او را از حقایق تلخ اجتماع اطرافش آگاه می‌کند و با تشویق او به حفظ شرافت و انسانیت، سرمایه ارزشمندی از فضایل اخلاقی را در نهاد او به یادگار می‌گذارد که تا سال‌های سال این ارزش‌ها مبنای عمل شخصیت اصلی قرار می‌گیرند و اطمینان وی را به راهی که برگزیده و پایداری در آن راه را قوت می‌بخشند. بی‌بی شخصیتی مذهبی دارد و شریف را هم به پیروی از احکام دین و باورهای اعتقادی تشویق می‌کند؛ اما مذهبی که او پذیرفته آمیخته با خرافات است. در مجموع شخصیت بی‌بی به عنوان مادر بزرگی مهربان، به راحتی با خواننده رابطه برقرار می‌کند؛ چرا که شخصیت او آنچنان‌که باید صمیمانه پرداخته شده است. توجه بی‌بی به شریف، نوه‌اش، بیشتر از توجه او به پسرانش حامد و سلیم است. او هرگز به طور مستقیم در امور آن‌ها دخالت نمی‌کند و نسبت به اعتقادات و مرام سیاسی‌شان مخالفتی ندارد. حتی زمانی که سلیم پس از دزدیدن یک کلنگ از کمپانی نفت و احتمال اخراجش، تصمیم می‌گیرد تریاک

بخورد و خودکشی کند، مانع او نمی‌شود و غمزده در انتظار عاقبت کار می‌نشیند. پذیرش چنین واکنشی از سوی بی‌بی برای خواننده دشوار است؛ چون از شخصیت سنتی و قدیمی‌اش انتظار چنین عمل روشنفکرانه‌ای نمی‌رود. همین کارهای بی‌بی سبب می‌شود شخصیت او از حالت تیپیک دور شده، «فردیت» در آن تجسم بیشتری بیابد؛ خصوصیتی که از ویژگی‌های «شخصیت» در رمان مدرن است.

### ۳- ۴ شخصیت پردازی مشی بوچان:

آنچه در وهله اول در مورد شخصیت پدر شریف، بوچان داوریشه، برجسته‌تر به نظر می‌رسد این است که او اغلب در سخت‌ترین وضعیت‌های زندگی در کنار همسر و فرزندان‌ش نیست. در ادامه این معرفی و پیش از آنکه او را وارد داستان کند، این عبارت را می‌گوید:

بشیر پنج ماهه شده است. بابام از در حصار تو می‌آید. (همان، ج ۱: ۳۲)

نمی‌خواهیم بگوییم او نسبت به خانواده‌اش بی‌اعتناست و برای کسب روزی تلاش نمی‌کند یا در برابر نابسامانی‌های اقتصادی جامعه آسیب‌ناپذیر نیست؛ اما عدم تصمیم‌گیری عاقلانه و مدام از شاخه‌ای به شاخه دیگر پریدن، پذیرش جبری سرنوشت و ظلم و سکوت در برابر آن‌ها که حقش را می‌خورند، به وضوح در اعمال او دیده می‌شود. تصویر تیره شریف از پدرش را از این تشبیه در می‌یابیم:

شب، سنگین و بی‌حال، مثل بابام از راه می‌رسد. شب سرفه می‌کند، آه می‌کشد

و می‌نشیند تو اتاق. (همان، ج ۱: ۵۰۲)

شخصیتی که نویسنده از پدر، بوچان، نشان می‌دهد، شخصیتی است ایستا و منفعل، بی‌تدبیر و خشن که به جای ماندن و مبارزه با دشواری‌ها، ترک خانواده و خزیدن در گوشه‌ای و زندگی درویشی را تنها راه چاره می‌بیند. شخصیت بوچان از راه گفتگوها و اعمالش پرداخته شده است.

### ۳- ۵ شخصیت پردازی دایی سلیم:

«سلیم» دایی کوچک راوی است، که به هنگام ورود به داستان یازده سال دارد. او نیز از جمله آدم‌هایی است که بسیار زودتر از آنچه باید با بی‌رحمی‌ها و مشقات

زندگی روبه‌رو می‌شود. اغلب سخنان او حول محور ظلم ظالمان خودی و بیگانه و بدبختی‌های مردم طبقهٔ فرودست و مبارزه می‌چرخد. سلیم با تکرار چنین مطالبی در خانه و بیان اخبار کمپانی برای شریف، موجب آشنایی شریف با دنیای سیاست و مبارزه می‌شود.

«سلیم» نمونهٔ نوعی وطن‌پرستان و مخالفان بیگانگان غارتگری است که شیرهٔ جان مملکت ما را می‌مکند و یکی از مسببان اصلی فقر در جامعهٔ ایرانند. زندگی سیاسی سلیم را به چهار دوره می‌توان تقسیم کرد: دورهٔ اول که دورهٔ کار در کمپانی، شرکت در اعتصابات به همراه دیگر کارگران و دزدی از کمپانی یعنی نوعی مبارزهٔ منفی است. دورهٔ دوم، زمانی است که سلیم وارد «حزب توده» شده، عقاید کمونیستی را می‌پذیرد. دورهٔ سوم، دوره‌ای است که پس از مدت‌ها جانبداری از حزب توده، با از هم پاشیده شدن این حزب، باورهای پیشین را کنار می‌گذارد و در امور سیاسی دخالتی نمی‌کند. پس از این دورهٔ ناامیدی و سرخوردگی از حزب توده، تحولی غیر منتظره از او می‌بینیم؛ سلیم در چهارمین دوره از زندگی‌اش تبدیل به شخصیتی «مذهبی» می‌شود و امام خمینی (ره) را به عنوان تنها پیشوایی که می‌تواند مردم و کشور را رهایی بخشد، می‌پذیرد. با آنکه سلیم بعدها می‌گوید:

تا این دست‌ها با من است مبارزه هم هست؛

اما پس از انحلال حزب توده عملاً شاهد هیچ‌گونه مبارزهٔ سیاسی از او نیستیم. این تناقض در گفتار و عملکرد سلیم برای خواننده قابل پذیرش نیست؛ چراکه پس از بیرون آمدن از حزب توده، سلیم تبدیل به شخصیتی تقریباً خاموش می‌شود و به گوشه‌ای عقب می‌نشیند و هرازگاهی با حضوری کمرنگ، به عنوان «دایی» شریف، آن هم با شخصیتی تک بعدی، که همیشه نصیحتی در مورد نماز و روزه بر زبان دارد، در داستان دیده می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که او در نیمهٔ نخست زندگی‌اش با شخصیتی پویا معرفی می‌شود و در نیمهٔ بعد اگر چه راهی جدید بر می‌گزیند، راوی، اطلاعات چندانی در مورد او و سرانجام جانبداری‌اش از نیروهای مذهبی و احیاناً فعالیت‌هایش به دست نمی‌دهد و این امر سبب می‌شود تا در نیمهٔ دوم، شخصیتی

ایستا جلوه کند. نویسنده در خلق بخشی از شخصیت سلیم از ابزار گفت‌وگو استفاده کرده و جنبه‌های رفتاری دیگر را هم با نمایش اعمال وی نشان داده است. شخصیت وی از لحاظ اینکه نخستین معلم سیاسی شخصیت اصلی داستان بوده و در جهت‌دهی فکری او نقش مهمی داشته، حائز اهمیت است.

#### ۴- موضوع:

موضوع اصلی رمان **سال‌های ابری** «فقر اقتصادی» است و این علت عمده، معلول مهمی همچون مبارزه علیه حکومت وقت را به دنبال دارد که جدی‌ترین شکل این مبارزه، مبارزه سیاسی برای براندازی حکومت جور است. رمان **سال‌های ابری** براساس مکتب «رنالیسم» یا «واقع‌گرایی» نوشته شده و روایت آن «بازنمایی» زندگی واقعی انسان‌هاست به منظور انتقاد از نابرابری و فقر و ذکر پیامدهای ناگوار آن در جوامع.

نویسنده معتقد است که هنرمند و نویسنده کسی است که با شاخک‌های حساسش، نابسامانی‌ها و انحراف‌ها و عمق آشفتگی‌های اجتماعی را درک می‌کند و به خاطر حس مسئولیتش، این انحراف و ابتذال‌ها را در آثارش تصویر می‌کند و به مردم نشان می‌هد. (بازن ۲)

رمان **سال‌های ابری** جزو دسته رمان‌های اجتماعی-سیاسی است و نویسنده، موضوعات فرعی (درونمایه‌ها) اثر را در همین حوزه انتخاب کرده و پرداخته است. چنان‌که خود نویسنده در ادامه می‌گوید:

در زمینه نقد، اغلب به مبانی نقد جامعه‌شناختی اعتقاد دارم و بیشترین توجهم به رابطه زنده و جدایی‌ناپذیر جامعه و هنرمند و برداشت هنرمند از محیط اوست و عقیده دارم که برای ارزیابی یک اثر، ملاک و معیاری جز نفس واقعیت زندگی وجود ندارد. (همان، ۳)

عناصر دیگر رمان همچون فضا‌سازی‌ها، صحنه‌ها و نمادها نیز برای بیان موضوع رمان به کار گرفته شده‌اند؛ مثلاً فضا‌سازی‌های مناسب و اثربخش داستان از زندان‌های مخوف پهلوی و شیوه‌های شکنجه ساواک، سفاکی رژیم و مظلومیت

مردان مبارز میهنمان را به شکلی جاندار در برابر چشم مجسم می‌کند. نمادهای رمان هم متناسب با موضوع، انتخاب شده‌اند؛ برای نمونه در نامه‌ای که شریف در روزهای نزدیک انقلاب برای همسرش، شهرناز، می‌نویسد چنین می‌خوانیم:

آسمان آرام است. ستاره‌ها تلاش می‌کنند که تاریکی را بشکنند. (سال‌های

ابری، ج ۴: ۱۶۱۴)

که از این جمله مفهوم تلاش مبارزان برای غلبه بر رژیم شاهنشاهی و پایان یافتن تیره بختی‌های مردم فهمیده می‌شود.

موضوع رمان **سال‌های ابری** از آنجا که برگرفته از واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی ایران با تأکید بر یک برهه سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر ایران است، موضوع با اهمیت و تازه‌ای است.

#### ۵- درونمایه:

«**سال‌های ابری**» جزو دسته رمان‌های «اجتماعی-سیاسی» است و حول محور یک اندیشه مرکزی یا همان موضوع یعنی فقر اقتصادی نوشته شده است. هر داستانی با توجه به موضوع درونمایه یا درونمایه‌هایی دارد که کارکرد آن‌ها پرورش بهتر موضوع است.

برای بررسی درونمایه‌های این اثر بهتر است آن‌ها را در سه دسته کلی بررسی

کنیم:

۱- درونمایه‌های اجتماعی. ۲- درونمایه‌های سیاسی. ۳- درونمایه‌های تاریخی.

#### ۵- ۱ درونمایه‌های اجتماعی:

«فقر اقتصادی» از درونمایه‌های مهم اجتماعی رمان و معلول سیاست غلط سردمداران حکومت در اداره امور مملکت است. همین فقر اقتصادی مسبب اصلی «فقر فرهنگی» در جامعه می‌شود و این درونمایه نیز در داستان به شکل بازتاب خرافات و باورهای بی‌اساس ظهور یافته است؛ خرافاتی که مردم را اسیر خوش‌باوری و توجیحات نابه‌جا کرده و با ایجاد روحیه «جبرگرایی» سبب شده است تا عده‌ای برای ایستادگی در برابر ستم و حرف زور، انگیزه خود را از دست بدهند. از درونمایه‌های



اجتماعی دیگر اثر، اشاره به «کمبود بهداشت» است. نابهنجاری دیگری که بر اثر نظام اقتصادی نابسامان جامعه پدید می‌آید «شکاف طبقاتی» و آزاد گذاشتن سرمایه‌داران معدودی است که با کسب درآمد از راه‌های نامشروع و خوردن حق ضعیف‌تر، روز به روز بر دارایی خویش می‌افزایند و به فاصله طبقاتی دامن می‌زنند. درونمایه **سال‌های ابری** از حیث اشاره به «باورها و آداب و رسوم بومی» نیز قابل توجه است. از درونمایه‌های بسیار مهم دیگر داستان که در این دسته جای می‌گیرد، و در حقیقت تلاش‌های مبارزاتی و سیاسی ریشه در آن دارد، «وطن‌پرستی و عشق به مردم» است این رمان درونمایه «دینی و مذهبی» هم دارد؛ اما مذهبی آمیخته به خرافات و منفعل و تقریباً خاموش در برابر اجحاف. مذهبی که آدم‌هایی مثل بوچان و عمو الفت بدان معتقدند، دین منهای جهاد و مبارزه با ظلم است و «تقیّه» را در اوضاع پریشانی بهترین روش می‌داند.

## ۲-۵ درونمایه‌های سیاسی:

صحنه اول داستان یعنی جدال شریف با آل و مادر با درد زایمان، صحنه نمادینی است که بعد سیاسی رمان را نشان می‌دهد. «شریف داوریشه» که تا پایان رمان در نقش مبارز سیاسی باقی می‌ماند، خود را در مقابل «آلی» می‌بیند که ناگزیر از جنگیدن با اوست.

مشى بوچان و عموالفت هر یک با نقل سرگذشت مردان مبارز این آب و خاک همچون «یارمحمدخان» و «داوریشه»، پدر بزرگ شریف، و نیز گه‌گاه با شکایاتی از مشکلات معیشتی و یا دخالت اجانب در امور مملکت، به پیشبرد داستان در بعد سیاسی یاری می‌رسانند.

شریف هم از راه جدال‌های سیاسی دایی‌هایش و تعاریف دایی سلیم از مسائل سیاسی، با «سیاست» آشنا می‌شود. از طریق این گفت‌وگوها ما با دو حزب «توده» و «جبهه ملی» یا «پان ایرانیسم» هم به طور گذرا آشنایی پیدا می‌کنیم؛ به طور کلی **سال‌های ابری**، رمانی است که جنبه‌های سیاسی در آن بسیار قوی است و واقعیت‌های اجتماعی هم در آن کارکردی سیاسی پیدا می‌کنند. از درونمایه‌های سیاسی دیگر اشاره

به خفقان و شکنجه و اعدام و از سوی دیگر بیان خوش گذرانی‌های شخص اول مملکت در شرایطی است که طعم تلخ زندگی دشوار در کام مردم آن‌ها را می‌آزارد.

### ۳- ۵ درونمایه‌های تاریخی:

باتوجه به تعریف رمان تاریخی، **سال‌های ابری** را نمی‌توان رمانی «تاریخی» به شمار آورد؛ اما توجه به قسمت‌هایی از تاریخ و نقل حوادث، آن را به «رمان تاریخی» پیوند می‌زند. شخصیت‌های تاریخی در رمان **سال‌های ابری** نقش اساسی در پیشبرد داستان ندارند و فقط با نام و یا یادی از آن‌ها و اعمالشان سر و کار داریم. اشاره به بخش‌های تاریخی همچون رشادت‌های یارمحمدخان در جریان مشروطه یا نقل بی‌بی از دوران قحطی در زمان احمدشاه برپایه مستندات تاریخی نیست و فقط در حد خاطره دوری است که در ذهن گوینده آن برجای مانده است. از قسمت‌های تاریخی دیگر، شرح سرگذشت «داوریشه» از زبان پسرش «مشى بوچان» است، که موضوع آن یعنی قصه ارباب و رعیت و زورگویی خانی‌ها بر روستائیان، مشکلی است که ریشه در تاریخ کشورمان دارد. کارکرد این بخش‌های تاریخی در جهت تکوین شخصیت اصلی رمان است؛ به این معنا که اگر نویسنده قصد ارائه شخصیتی همه جانبه و آگاه از یک مبارز سیاسی را داشته باشد باید او را فردی مطلع از تاریخ میهن خویش نشان دهد؛ اما تاریخی که شریف می‌گوید کامل و همه جانبه نیست؛ فقط وقایع مربوط به کرمانشاه و چیزهایی است که از اطرافیان و رادیو و روزنامه از آن‌ها آگاهی پیدا می‌کند؛ وقایعی مثل ملی شدن صنعت نفت، سی‌ام تیر ۱۳۳۱، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را به طور سطحی و گذرا مطرح می‌کند بی‌آنکه حوادث را بسط دهد و به جزئیات آن بپردازد.

### ۶- زاویه دید:

زاویه دید سال‌های ابری از نوع زاویه دید درونی است و از دید اول شخص روایت می‌شود. راوی این رمان، شریف داوریشه است که داستان زندگی خود را از زمانی که کودکی سه-چهار ساله است تا سنین میانسالی تعریف می‌کند. زاویه دید اول شخص مزایا و معایبی دارد؛ از مزایای آن می‌توان به تأثیر مثبت این زاویه دید

بر بیان صمیمی اثر اشاره کرد؛ از سوی دیگر، باتوجه به اهمیت درونمایه‌های اثر و اندیشه‌های ذهنی نویسنده، انتخاب چنین زاویه دیدی برای ارائه بهتر آن افکار و عقاید مناسب به نظر می‌رسد. معایب زاویه دید اول شخص یکی آن است که راوی بر محتویات فکری شخصیت‌های دیگر تسلط ندارد؛ اما نویسنده توانسته این عیب را از راه وادار کردن شخصیت‌ها به بروز درونیات خود از طریق گفتار و کردار برطرف کند؛ اما زاویه دید رمان گاه از حد اول شخص فراتر رفته و به «دانای کل» نزدیک می‌شود. این، زمانی است که راوی به بیان وقایعی می‌پردازد که خود شاهد چگونگی انجام گرفتن آنها نبوده است؛ برای نمونه در فصل «خاله چشمه» داستان ازدواج خاله چشمه (نازکا) با چشمه خشک از دید دانای کل روایت می‌شود. آنجا که راوی به ثبت گفت‌وگوها و عقاید سیاسی و صحنه‌ها در ذهن خویش می‌پردازد به «زاویه دید نمایشی» نزدیک می‌شود.

#### ۷- صحنه و صحنه‌پردازی:

زمان کلی وقایع داستان بین سال‌های ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ است و مکان اولیه رخدادهای هم شهر کرمانشاه است که در طول داستان انتقال شریف به عنوان معلم به گیلان غرب و شاه آباد غرب (اسلام آباد کنونی) و بعدها مهاجرت چند ساله و یا حبس در تهران موجب تغییر و جابه‌جایی مکان در این داستان می‌شود.

**مکان:** مکان این داستان که با توصیف دقیق اشیاء و لوازم موجود در آن صحنه ارائه می‌شود، خانه‌ای است قدیمی با اتاق‌ها و مستأجران بسیار که در «کوچه آمد طاهر» در کرمانشاه واقع شده است. نخستین صحنه هر داستان وارد کردن خواننده به دنیای داستان و جذب مخاطب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ درباره رمان سال‌های ابری نیز باید گفت این صحنه‌سازی با موفقیت صورت گرفته است و نویسنده از همان ابتدا، خواننده را از وضعیت محیط زندگی شخصیت‌های اصلی، باورهای خرافی و مذهبی آن‌ها آگاه کرده و این کار را از راه گفت‌وگوها، اعمال و توصیف لوازم خانه ترتیب داده است. مکان‌های دیگر این رمان، خانه‌های متعددی است که شریف و خانواده‌اش به آنجا اثاث کشی می‌کنند. این جابه‌جایی‌ها که در

وقایع جلد اول و دوم رمان انجام می‌شوند، آنقدر حائز اهمیتند که نام فصل‌های متعددی از این دو جلد برابر خانه و یا محله جدیدی است که خانواده شریف به آن نقل مکان می‌کنند؛ مثلاً «خانه کوچک»، «بیخ کوچه سرتیپ»، «لب آبشوران»، «خانه عمو علی بقال» و «تکیه» هر یک نام یکی از فصل‌های رمانند. هدف نویسنده از بردن کوچه به کوچه و محله به محله راوی این است که اوضاع معیشتی مردم و مشکلات اجتماعی آنها را نشان دهد. راوی در توصیف مکان‌ها موفق عمل می‌کند. یکی از مکان‌هایی که به خوبی توصیف شده است، صحنه کوه‌های قلاجه و درگیری سربازان ایرانی با انگلیسی‌هاست؛ صحنه‌ای که جوانان ایرانی را کشته یا زخمی، رها شده در دامنه قلاجه نشان می‌دهد و خانواده‌هایی را که شیون‌کنان در جستجوی عزیزان از کوه بالا می‌روند؛ چون روایت داستان متعلق به افراد تهیدست و ندار است، صحنه‌های با شکوه و پر رونق تک و توک در آن وجود دارد. هدف ثانوی و مهم نویسنده در توصیف صحنه‌ها القا و تقویت درونمایه داستان و ارائه فضای مکان‌ها و رویدادهاست. شیوه صحنه‌پردازی داستان، تلفیقی از توصیف، گفت‌وگو و تداعی خاطرات است. هنر نویسنده در توصیف صحنه‌ها بیشتر هنگامی است که دو صحنه متفاوت را که از نظر مفهومی ربطی نمادین با هم دارند، به طور «موازی» و یا در کنار هم تصویر می‌کند. این صحنه‌های همراه، عموماً صحنه‌هایی از طبیعت هستند و یا صحنه‌هایی هستند که نویسنده با اصوات می‌سازد و قصد بیان مفهومی ذهنی را از ایجاد آن دارد. گاه هم صحنه، کارکردی در مقدمه چینی برای رخدادهای آینده پیدا می‌کند. صبح روزی که قرار است بین طرفداران مصدق و قوام درگیری پیش بیاید و عده‌ای کشته شوند، راوی صحنه طبیعت را چنین توصیف می‌کند:

ستاره سرخ سپیده دم به وسط آسمان رسیده است. مدتی است بیدارم. هوا پر

از همهمه است. وضع مثل هر روز عادی نیست. (همان، ج ۲: ۶۵۸)

زمان: زمان کلی حوادث بین سال‌های ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ است. گذشت زمان در رمان محسوس نیست؛ چون سن شخصیت‌ها را نمی‌دانیم. گذشت سال و ماه را گاهی از روی خانه‌کشی‌ها و مدرسه رفتن بچه‌ها می‌فهمیم. زمان در اوایل رمان

دیرتر می‌گذرد. این روند مخصوصاً در اواخر رمان یعنی روزهای زندان که تکراری و کسالت آورند سریع‌تر می‌شود. عدم اطلاع خواننده از زمان دقیق رویدادها او را دچار سرگردانی می‌کند. زمان در این رمان گاه از سیرخطی خود خارج می‌شود و سیر عرضی می‌پیماید و این هنگامی رخ می‌دهد که خاطراتی در ذهن راوی تداعی می‌شوند. بیشترین بازگشت از زمان حال به گذشته را در جلد چهارم، فصل اول (نبض زنجیر) می‌بینیم؛ آنجا که شریف برای اولین بار به زندان افتاده است. او شرح ماقوع، علت دستگیری و چگونگی آشنایی خود با خداکرم، دوستش، را که به همراه او دستگیر شده با بازگشت به عقب به اطلاع خواننده می‌رساند.

#### ۸- گفت و گو:

معرفی شخصیت‌ها و نشان دادن درونیات و افکارشان از طریق این عنصر انجام می‌پذیرد. گفت‌وگوی راوی و بی‌بی در همان ابتدای رمان شرایط محیط زندگی، باورها و رسوم مردم آن طبقه را نشان می‌دهد. سپس از طریق همین عنصر (گفت‌وگو) درباره قهرمانان ملی و مبارز و درگیری‌های لفظی دایی سلیم و دایی حامد و بحث اعضای خانواده درباره مسائل جاری روز به دیدگاه‌ها و عقاید سیاسی افراد خانواده پی می‌بریم.

گفت‌وگوها در پیشبرد حوادث داستان هم دخیلند و به شخصیت‌پردازی آدم‌ها نیز یاری می‌رسانند. گفت‌وگوی شخصیت‌ها مطابق با روحیات، افکار و طبقه اجتماعی آن‌هاست. گفت‌وگوها در جلد‌های اول و دوم رمان با توجه به درونمایه‌های مطرح شده بیشتر درباره فقر، بیماری و سیاست غلط اداره کشور است. گفت‌وگوهای درونی و حدیث نفس نیز در این رمان جایگاه ویژه‌ای دارند و حجم نسبتاً قابل توجهی از رمان به آن‌ها اختصاص یافته است. این نوع گفت‌وگوها از گفت‌وگوهای بسیار قوی‌رمانند که به خوبی محتوای فکری، تمایلات، ارزش‌ها و دغدغه‌های شخصیت اصلی را نشان داده است و از این طریق به شخصیت‌پردازی او یاری می‌رسانند.

## ۹- فضا و رنگ / حال و هوا:

فضای عمومی رمان، همان‌گونه که نامش از پیش، آن را به خواننده القا می‌کند، ابری و تیره است؛ فضاهای رمان **سال‌های ابری** فضای غم‌واندوه، تردید و ناامیدی، رعب و ناامنی و در مواردی هم فضای خنده‌آور است.

عوامل مختلفی در فضاسازی‌های این رمان دخیلند. یکی از این عوامل، توصیف و صحنه‌پردازی است. روش نویسنده در این بخش‌ها جزئی‌نگری، توجه به حالات درونی شخصیت‌ها و همراه کردن این حالات با وضعیت دنیای خارج از ذهن، به‌ویژه وصف طبیعت است. توصیف طبیعت نیز ابزار قدرتمندی در دستان نویسنده برای کمک به ساختن حال و هوای بسیاری از صحنه‌هاست. توصیفی که شریف از طبیعت پس از اعدام یک محکوم و دیدن آثار خون بر جای مانده از او روی زمین ارائه می‌دهد، فضای بی‌رحم و رعب‌آور حاکم بر زندان را به خوبی می‌رساند:

آفتاب زرنیخی روی لبه دیوار پرپر می‌زند و می‌میرد. تکه ابر چرکی وسط

آسمان بند آویزان شده است. (همان، ج ۴: ۱۳۷۷)

از دیگر ابزارهای فضاسازی در این اثر کاربرد نمادها حین توصیف است. در نمونه زیر «شب» فضای خفقان زندان را بهتر نشان می‌دهد.

بیرون از توری فلزی و میله‌ها، شب، سیاه و بدهیبت نشسته است. شب در

عمق نان‌های خشک و در ته کاسه‌های روئین، ماسیده است. (همان، ج ۴: ۱۴۵۱)

در اثنای رویدادها گه گدار صدای ترانه و اشعاری به گوش می‌رسد که هدف از کاربرد آن کمک به فضاسازی است. آنجا که شریف به یاد گیسیا، به همراه آحسین روی سکوی پشت در خانه گیسیا فلوت می‌زند، یکی از این صحنه‌هاست. فضاسازی‌های قابل توجه و هنرمندانه‌ای نیز با استفاده از اصوات ترتیب داده شده است که اغلب موازی با وقایع در حال اتفاق، تکرار می‌شوند.

تک و تنها در ایوان مدرسه نشسته‌ام... حوصله بیرون رفتن ندارم. شاخه‌های

درخت توت بزرگی که به دیوار مدرسه تکیه داده، خشک و بی‌برگ در باد تکان

می‌خورد و با دیوار در گفت و گوی آرامی است: خا... خو... گر... گر... خا...

خو... گر... گر... (همان، ج ۲: ۹۱۳)

برخی فضاسازی‌های داستان، حاصل بسامد بالای واژگانی مثل شب، تاریکی، غروب، سیاهی، دلهره و ترس است.

فضاسازی‌هایی هم با استفاده از صنعت حسامیزی صورت گرفته است؛ مثل بوی خستگی، بوی آفتاب، بوی چشمان حسرت زده.

### ۱۰- لحن و لحن‌پردازی:

لحن، طرز برخورد نویسنده با موضوع و خواننده است و می‌تواند به صورت‌های گوناگون خنده‌دار، طنز آمیز، گریه آور و یا رسمی، صمیمی و ... باشد.

لحن کلی رمان «سال‌های ابری» با توجه به درونمایه‌های آن یعنی فقر، مبارزه سیاسی و بیان مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم، لحنی جدی است؛ چراکه از وقایع تلخی سخن می‌گوید که گریبان انسان‌های آن دوره را به طرز خفقان‌آوری گرفته است؛ اما با نگاهی جزئی‌تر به حوادث رمان، می‌توان گونه‌های دیگری از لحن مثل لحن خنده‌آور و طنزآمیز همراه با ریشخند هم در آن یافت. لحن راوی نسبت به خواننده «صمیمی» است. به خصوص در فصل‌های نخستین رمان، زبان دوستانه بی‌بی، گیراست و شیوه بیان کودکانه شریف و نوع نگاهش به مسائل و دنیای اطراف با توجه به سن و سال او خوب پرداخته شده و به ایجاد ارتباط صمیمانه بین خواننده و اثر کمک فراوانی کرده است؛ البته نوع زاویه دید اثر به شیوه اول شخص هم در ایجاد این لحن صمیمی تأثیر قابل توجهی گذاشته است. این صمیمیت در بیان نویسنده به سبب چنان‌که خود در این باره می‌گوید:

من برخلاف نظر کسانی که می‌گویند ما برای خودمان می‌نویسیم و بس، به مخاطب نیز توجه دارم... بنابراین به فکر مخاطب بودم و سعی کردم زبانم طوری باشد که آن‌ها را دچار مشکل نکنم و به فرض «ریاضیات» را به جای ادبیات پیش روی آن‌ها قرار ندهم تا هر مخاطب بتواند با اثر ارتباط برقرار کند و پیام نویسنده را بگیرد. (شیرازی، ۱۳۸۲، ۱)

عامل دیگری که در ایجاد این لحن صمیمی مؤثر است، علاقه‌مندی نویسنده

به زبان مردم و تلاش وی برای وارد کردن عناصر زبانی آن‌ها در داستان‌های خود، همچنین استفاده از شخصیت‌ها و گفت و گوهایی است که برای مردم آشنا هستند.

### ۱۱- حقیقت ماندنی:

«سال‌های ابری» رمانی واقع‌گراست؛ بنابراین شخصیت‌ها و حوادث آن از عالم واقع انتخاب شده‌اند. راوی بازگوکننده دیده‌ها و شنیده‌های خود است و تجربه‌های زندگی خود را با ما در میان می‌گذارد. این رئالیسم یا واقع‌گرایی هنگام خواندن رمان به خوبی درک می‌شود. آنچه این واقع‌گرایی را بیشتر قابل قبول می‌کند آن است که شریف داوریشه با توجه به قراین و واقعیات زندگی پدیدآورنده اثر، همان علی‌اشرف درویشیان است و بسیاری از اتفاقاتی که برای شریف در این داستان رخ می‌دهد، تجربه‌های خود نویسنده بوده است. وی در این باره می‌گوید:

تجربه‌های زندگی، حوادثی که برایم پیش آمده و نیز مطالعه مداوم و پیگیری که داشته‌ام، در روند خلق داستان‌هایم بسیار مؤثر بوده. شما به عنوان یک نویسنده، هنگامی که با مردم و مسائل و مشکلات آن‌ها سر و کار داشته باشی و با رنج‌ها، شادی‌ها و سایر امور زندگی‌شان از نزدیک آشنا باشی، نوشتن درباره آن‌ها برایت ساده است. دیدن یک تصویر از زندگی می‌تواند تو را به نوشتن داستانی راهنمایی کند. (بازن ۲)

۱۰۵

\* فصلنامه زبان و ادب، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۷

ورود به مسائل سیاسی از ۱۲ سالگی و شرکت در جلسات سیاسی در خانه، معلمی در مناطق گردنشین کرمانشاه (گیلان غرب و اسلام‌آباد) و تحصیل در دانشسرا واقعیات زندگی شخصی نویسنده‌اند. علاوه بر این‌ها آهنگر بودن پدرش، گیوه بافی مادرش، کشمکش‌های لفظی و جسمی میان پدر و مادرش همه مطابق با واقعیت زندگی نویسنده بوده است. نقش بی‌بی هم از مادر بزرگ وی، که او را با افسانه‌ها و داستان‌های قدیمی آشنا کرده، الهام گرفته شده است. بدون در نظر گرفتن پاره‌ای موارد «حقیقت ماندنی» در رمان سال‌های ابری سیری منطقی طی می‌کند.

### نتیجه گیری:

درباره رمان سال‌های ابری نظرهای متفاوتی بیان شده است؛ برخی منتقدین



آن را فاقد ویژگی‌های یک رمان خوب دانسته‌اند و تا حد یک «سرگذشت‌نامه» و یا حتی «زندگی‌نامه» ای دست دوم تنزل داده‌اند و این ایراد ساختاری را درباره آن مطرح کرده‌اند که تلاش نویسنده برای تبدیل زندگی‌نامه به رمان، به دلیل کم توجهی به اصل «انتخاب» خاطره‌ها و «ایجاز»، بی‌فرجام مانده است؛ اما همانگونه که از مطالب این پژوهش برمی‌آید مطالعه داستان و بررسی عناصر داستانی آن به خوبی نمایان‌کننده جنبه‌های هنری سال‌های ابری است. شخصیت پردازی‌ها در اغلب موارد به درستی صورت گرفته و احساس برقراری رابطه‌ای صمیمانه در مخاطب و هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌ها مؤید این مطلب است. قواعد ارائه عناصر دیگری چون درونمایه‌ها، گفت‌وگو، حادثه، فضاسازی و... به خوبی انجام گرفته است. مهم‌ترین عناصر داستانی سال‌های ابری، «حادثه» و «درونمایه» است. می‌توان گفت که سال‌های ابری از این نظر ویژگی یک رمان خوب را داراست.

#### فهرست منابع:

- اژن، کیوان. «تابوت‌هایی برای شعر و داستان» ایران. ص ۱۴، ۱۳۸۳.
- پارسی نژاد، کامران. ساختار و عناصر داستان. تهران: سوره، ۱۳۷۸.
- پک، جان. شیوه تحلیل رمان. ترجمه احمد صدارتی. تهران: مرکز، ۱۳۶۶.
- درویشیان، علی اشرف. سال‌های ابری. ۴جلد (در دو مجلد). تهران: چشمه، ۱۳۸۳.
- دقیقیان، شیرین‌دخت. منشا شخصیت در ادبیات داستانی. پژوهشی در نقش پروتوتیپ‌ها در آفرینش ادبی. تهران: نویسنده، ۱۳۷۱.
- فاستر، ای. ام. جنبه‌های رمان. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲.
- لاج، دیوید و دیگران. نظریه رمان. ترجمه حسین پاینده. تهران: نظر، ۱۳۷۴.
- میرصادقی، جمال. عناصر داستان. تهران: سخن، ۱۳۷۶.
- \_\_\_\_\_. ادبیات داستانی. تهران: سخن، ۱۳۷۶.
- میور، ادوین. ساخت رمان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- یونسی، ابراهیم. هنر داستان نویسی. تهران: سهروردی، ۱۳۶۵.